جنگ امپریالیستی

تحلیل ساری حنفی از اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی علیه ایران

روایت دیگران

راضیه خوئینی
گروه کتاب

در میانه هیاهوی روایت‌هایی تحریف‌شده و خلاف واقع درباره جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، یک پرسش اساسی مغفول مانده است: آیا آنچه در جریان است، واقعاً نبردی مذهبی است یا رقابتی آشکار بر سر قدرت، نفوذ و تغییر نظم منطقه‌ای؟ ساری حنفی، جامعه‌شناس برجسته، با کنار زدن لایه‌های فریبنده گفتمان دینی، نشان می‌دهد چگونه «دین» بیش از آنکه علت جنگ باشد، به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی آن بدل شده است. این نویسنده برجسته که مدیر مرکز مطالعات عرب و خاورمیانه است با انتشار یادداشتی در وب‌سایت «کارپ پاریس/ CAREP Paris» وابسته به مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی عرب در فرانسه به بررسی لایه‌های پنهان جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران پرداخته است؛ منازعه‌ای که سعی می‌شود در ظاهری خیرخواهانه بزک شود، اما در پسِ آن پیچیدگی‌ها و مسائل عمیق‌تری نهفته است. در ادامه متن یادداشت ساری حنفی را می‌خوانید.

جنگ علیه ایران بیش از پیش با زبانی تقدیس شده روایت می‌شود؛ جنگ صلیبی، جنگ مقدس، برخورد تمدن‌ها و... اینها فقط برخی از واژه‌ها و تصاویری هستند که برای بخشیدن ابعادی الهیاتی به این منازعه به کار گرفته می‌شوند. با این حال، پشت این نقاب مذهبی، نبردی بر سر قدرت نهفته است که ماهیتی کاملاً زمینی‌تر دارد. در کوران این درگیری، روایت‌های متعددی عجولانه ساخته می‌شوند. عناوین، گزارش‌ها و تصاویر در صفحه‌های تلویزیون جرقه می‌زنند، در شبکه‌های اجتماعی وایرال و در راهروهای قدرت سیاسی طنین‌انداز می‌شوند تا چگونگی درک کل جوامع از جنگی که پیش چشمان‌شان در حال وقوع است - و دلایل منتسب به آن - را شکل بدهند. در میان گفتمان‌ها و بحث‌های جاری پیرامون رویارویی با ایران یک مبحث بارها مطرح می‌شود و این ایده همچنان پابرجاست که این جنگ، در اصل، جنگی مذهبی است: برخورد تمدن‌ها، برخورد باورها، نوعی تسویه حساب الهیاتی که با زره ژئوپلتیک پوشش داده شده است.

در روزهای اخیر، نمادگرایی مذهبی با تکیه بر لفاظی‌ها و موضع‌گیری‌های امپریالیستی آمریکا و اسرائیل علیه ایران بسیج شده و نمایشی برپا کرده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای تقدیس این جنگ، با احضار شبح جنگ مقدس و استناد به آیات تورات، ایران را به قوم عمالیق تشبیه کرد؛ همان قومی که متون مقدس یهودیان، آنها را به عنوان اولین دشمن باستانی یهود معرفی کرد و به یهودیان دستور داد یاد و خاطره آنها (حتی کودکان و نوزادان و احشام‌شان) را نابود و پاکسازی کنند. نتانیاهو با اتکا و بازخوانی یک آیه و عبارت آیینی با مضمون «به یاد داشته باش که عمالیق با تو چه کرد و همان کار را انجام بده»، از سیاست اصلی رژیم صهیونیستی معاصر، در پوشش یک پیشگویی باستانی پرده برداشت؛ عبارتی از کتاب تثنیه (آخرین کتاب تورات) که به طور سنتی پیش از عید پوریم یهودیان خوانده می‌شود.

در همین حال، دونالد ترامپ؛ رئیس جمهوری آمریکا از کلیسای خود در داخل کاخ سفید دعای خیر دریافت کرد و تصمیمات خود را به نوعی الهی معرفی کرد. پیت هگست، وزیر دفاع او نیز با نمایش نمادهایی از ایمان و مذهب، خط مشی نظامی خود را به مذهب گره زد؛ از جمله خالکوبی‌هایی که تداعی‌کننده جنگ‌های صلیبی بودند، مانند نتوی عبارت «Deus Vult» به معنای «خدا چنین می‌خواهد» و صلیب اورشلیم که از نظر تاریخی نماد درهم تنیدگی شمشیر و کتاب مقدس است. این تصاویر چنین به نظر می‌رسند که آگاهانه انتخاب و طراحی شده‌اند تا با توسل به امری مقدس، حمایت از جنگ را برانگیزند و این درگیری را در رنگ‌های سرنوشت، وظیفه و اراده الهی ترسیم کنند.

با این حال، این نمایشی تازه نیست. در طول تاریخ مدرن، بازیگران سیاسی، خود را با ردای مقدس پوشانده و اهداف‌شان را استتار کرده‌اند تا مبارزاتی را که ریشه در منافع و واقعیت‌های بسیار زمینی‌تری دارند، تقدیس کنند. در طول جنگ سرد، رهبران آمریکا اغلب مبارزه با کمونیسم را به عنوان دفاع از ایمان در برابر ایدئولوژی الحادی معرفی می‌کردند. اما جنگ سرد یک جنگ صلیبی نبود؛ بلکه یک رقابت ژئوپلتیکی بر سر قدرت بیشتر، نظام‌ها و حوزه‌های نفوذ بود. به طور مشابه، حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ در پوشش زبان یک ضرورت اخلاقی و یک مأموریت تمدن‌ساز عرضه شد؛ با این حال، مورخان و دانشمندان علوم سیاسی اکنون آن را جنگی برخاسته از میراث استعمار، دغدغه‌های امنیتی، جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و اشتباهات محاسباتی استراتژیک می‌دانند؛ نه جنگی بر سر الهیات.

خطر لفاظی‌های مذهبی

آیا کسانی که در دام این لفاظی‌های امپریالیستی-مذهبی و آمریکایی-اسرائیلی گیر افتاده‌اند، باید با همین زبان پاسخ دهند؟ این نوشتار استدلالی است علیه چنین تقلیدی. افراط در سیاست‌های هویتی —که اغلب با اسلام‌هراسی راست افراطی و متأسفانه با آنچه من «لیبرالیسم نمادین» می‌نامم، در هم تنیده می‌شود — تهدیدی بر تعمیق درگیری‌ها و ریشه‌دارتر کردن تعصبات و پیش‌داوری‌ها است. پاسخ دادن با یهودستیزی یا مسیحیت‌ستیزی نیز به همان اندازه خطرناک است و نتایج معکوسی در بر خواهد داشت. برخی از مسلمانان نیز به آیات قرآنی همچون: «یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه‌جویی و دشمنی نسبت به مؤمنان یهودیان و مشرکان خواهی یافت.» (مائده / ۸۲) توجه و استناد می‌کنند. اما عمق این آیه را باید در مقایسه با مضمون متن کل سوره در نظر گرفت. همچنین نباید آیاتی را که به خویشتنداری دعوت می‌کنند و وجود پیچیدگی‌های اخلاقی را تصدیق می‌کنند نادیده گرفت. از جمله: «همه آنها یکسان نیستند. از اهل کتاب، گروهی صالح هستند که آیات خدا را در ساعاتی از شب در حال سجده تلاوت می‌کنند. آنها به خدا و روز قیامت ایمان دارند، به کار نیک فرمان می‌دهند و از عمل زشت نهی می‌کنند و در انجام کارهای نیک می‌شتابند. آنها از صالحان هستند.» (آل عمران/ ۱۱۳-۱۱۴)؛ و نیز مضمون آیه ۷۵ سوره آل عمران «و از اهل کتاب کسی هست که اگر مال فراوانی بر او امانت بگذاری، آن را به تو بازمی‌گرداند و از آنان کسی هست که اگر یک دینار به او بسپاری، آن را به تو برنمی‌گرداند، مگر اینکه او را بارها و بارها وادار به این کار کنی.» این آیات نسبت به هرگونه داوری کلی و محکومیت عمومی هشدار می‌دهند و به نوعی خواستار تشخیص و بصیرتی هستند که ریشه در آگاهی تاریخی دارد.

ساری حنفی؛ جامعه‌شناس برجسته جهان عرب: این نمایشی تازه نیست. در طول تاریخ مدرن، بازیگران سیاسی، خود را با ردای مقدس پوشانده و اهداف‌شان را استتار کرده‌اند تا مبارزاتی را که ریشه در منافع و واقعیت‌های بسیار زمینی‌تری دارند، تقدیس کنند

راجرز بروبیکر، جامعه‌شناس آمریکایی، در کتاب خود با عنوان «Ethnicity without Groups/ قومیت بدون گروه‌ها» به ما یادآوری می‌کند که پویایی‌های قومی و مذهبی به ندرت خود را در بلوک‌هایی کاملاً متضاد سازماندهی می‌کنند. حتی با اینکه لفاظی‌های آمریکایی می‌کوشند تا یک بلوک منسجم یهودی-مسیحی را تداعی کند، هیچ‌گونه موجودیت یکپارچه از مسلمانان (جهان اسلام) وجود ندارد؛ بجز مردمانی استعمارزده، پراکنده، تکه‌تکه و تحت سلطه. تفسیر این منازعه صرفاً از یک لنز مذهبی، خطر پنهان‌سازی ساختار عمیق و اساسی آن را به دنبال دارد.

استعمار و ژئوپلتیک، نه تدین

اگرچه لفاظی‌های مذهبی، این گفتمان‌ها، ساختارها، انگیزه‌ها و اتحادهایی که این رویارویی را تعریف می‌کنند رنگ‌آمیزی و استتار می‌کنند، اما اصل این ماجرا روایتی بسیار متفاوت دارد. جنگ فعلی، در اصل، مذهبی نیست بلکه ریشه در استعمار و شهرک‌سازی و ژئوپلتیک منطقه، رقابت برای تصرف منابع اقتصادی، قدرت، نفوذ و تغییر نظم خاورمیانه دارد. مذهبی تشخیص دادن این جنگ به معنای انجماد هویت‌ها، تعمیق قطب‌بندی و سلب مشروعیت دیپلماسی است. حتی اگر شبه‌نظامیان مسلمان در کشورهای عربی متحد شوند، این جنگ را اساساً نمی‌توان مذهبی دانست. علت اصلی همچنان استعمار بی‌رحمانه، شهرک‌سازی‌ها در فلسطین اشغالی و امتناع مداوم از پذیرش یک راه‌حل سیاسی مناسب است. همچنین انگیزه‌های انتقام‌جویانه و کینه‌توزانه که ایران و متحدانش در لبنان را هدف قرار می‌دهند، از نظر تاریخی کوته‌بینانه و از نظر استراتژیک بسیار خطرناک هستند. اگر این جنگ امپریالیستی علیه ایران واقعاً ماهیت مذهبی داشت، اتحادها میان کشورها باید از خطوط اعتقادی و مذهبی پیروی می‌کرد. جنگ‌های مذهبی اروپایی در قرن‌های شانزدهم و هفدهم نمونه‌ای تاریخی از چنین الگوهایی را ارائه می‌دهند. اما خاورمیانه معاصر داستان بسیار متفاوتی را روایت می‌کند، چراکه ایالات متحده روابط استراتژیک نزدیکی با بسیاری از کشورها با اکثریت جمعیت مسلمان دارد. رژیم اسرائیل در چهارچوب توافقنامه‌هایی موسوم به «ابراهیم»، با چند کشور عربی مسلمان همکاری‌های دیپلماتیک و امنیتی برقرار کرده است. خود ایران با بازیگرانی همکاری می‌کند که انگیزه‌های اولیه آنها استراتژیک است، نه مذهبی.

این جنگ توسط بازدارندگی نظامی و مبارزه با هدف کنترل کریدورهای استراتژیک پیش می‌رود تا همگی به خدمت پروژه شهرک‌سازی استعماری اسرائیل و گسترش سلطه اقتصادی منطقه‌ای آن دربیایند. در نتیجه نسل‌کشی در غزه، جنگ علیه لبنان، ونزوئلا و ایران می‌توانند پیش‌علائم هشداردهنده درباره وقوع یک بی‌نظمی امپریالیستی جدید باشند که با گذر از روی ویرانه‌های نظم قدیم (در خاورمیانه) ظهور می‌کند. تقلیل این درگیری‌ها به برخورد تمدن‌ها، به معنای نادیده گرفتن عمق و تنوع درونی آنهاست. اذعان به استعماری و ژئوپلتیکی بودن جنگ‌ها علیه غزه، لبنان و ایران به مفهوم انکار حضور مداوم دین در عرصه زندگی عمومی نیست. ایمان همچنان به شکل‌دهی هویت‌ها، هنجارهای اجتماعی و تصورات اخلاقی ادامه می‌دهد. اما شفافیت تحلیلی مستلزم تمایز قائل شدن میان دو امر است: دین به مثابه گفتمان و دین به مثابه یک علت ساختاری. در این منازعه، دین در درجه اول به عنوان ابزاری بلاغی عمل می‌کند، نه به عنوان نیروی محرکه رفتار دولت‌ها. اشتباه گرفتن این امر با علت واقعی جنگ، این خطر را به دنبال دارد که به خشونت مشروعیت ببخشد، هویت‌ها را در قالبی خصمانه تثبیت و توجه‌ها را از ساختارهای استعماری و ژئوپلتیکی که واقعاً این نبرد را سازماندهی می‌کنند منحرف سازد.

متفکر مرزی

ساری حنفی/ Sari Hanafi را می‌توان از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار جامعه‌شناسی معاصر در جهان عرب دانست؛ اندیشمندی که تفکراتش در مرز میان جامعه‌شناسی، فلسفه اخلاق و مطالعات دین شکل گرفته و کوشیده است خوانشی انتقادی و در عین حال گفت‌وگومحور از مسائل جهان امروز ارائه دهد. این استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه آمریکایی بیروت (American University of Beirut)، مدیریت مرکز مطالعات عرب و خاورمیانه و ریاست برنامه مطالعات اسلامی را بر عهده دارد. او علاوه بر فعالیت‌های دانشگاهی، در عرصه جهانی نیز حضوری پررنگ داشته و به‌عنوان رئیس انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (International Socio-logical Association) در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ نقش مهمی در جهت‌دهی به مباحث جامعه‌شناسی ایفا کرده است. حنفی همچنین مدتی نایب‌رئیس شورای عرب علوم اجتماعی بوده و سردبیری مجله «Idafat» را بر عهده داشته است؛ نشریه‌ای که از مهم‌ترین تریبون‌های فکری جامعه‌شناسی در جهان عرب به شمار می‌رود.

تحصیلات او در مدرسه مطالعات پیشرفته علوم اجتماعی (École des Hautes Études en Sci-ences Sociales) در پاریس -از معتبرترین مراکز علوم اجتماعی جهان - مسیر فکری‌اش را شکل داد؛ مسیری که بعدها او را به همکاری‌های علمی و پژوهشی در کشورهایی چون ایتالیا، نروژ و مصر کشاند. این تجربه بین‌المللی به تحلیل‌های او نگاهی چندلایه و فراملی می‌بخشد.

کتاب‌های حنفی، طیفی گسترده از موضوعات را در بر می‌گیرد: از جامعه‌شناسی دین و نسبت آن با علوم اجتماعی گرفته تا مسأله تولید دانش در جهان عرب، مهاجرت اجباری -به‌ویژه در مورد پناهندگان فلسطینی- و سیاست‌های علم. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به «کتابچه راهنمای آکسفورد جامعه‌شناسی خاورمیانه/ The Oxford Handbook of the Sociology of the Middle East» و «تولید دانش در جهان عرب: وعده غیرممکن/ Knowledge Production in the Arab World: The Impossible Promise» اشاره کرد؛ آثاری که جایگاه او را به‌عنوان نظریه‌پردازی جدی در سطح بین‌المللی تثبیت کرده‌اند. از آثار او که به فارسی ترجمه شده می‌توان به «در برابر لیبرالیسم نمادین: فراخوانی به جامعه‌شناسی گفت‌وگویی» و «جامعه شناسی مردم‌مدار در کارزار عمل» اشاره کرد. او به پاس فعالیت‌های علمی خود جوایز معتبری همچون جایزه عبدالحمید شومان و جایزه بنیاد کویت در علوم اجتماعی را دریافت کرده و سال ۲۰۱۹ دانشگاه ملی سن مارکوس در پرو به او دکترای افتخاری اعطا کرده است. همچنین عضویت بین‌المللی در آکادمی بریتانیا، نشانه‌ای دیگر از اعتبار جهانی اوست.

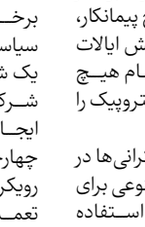

ایران غزه نیست

آروندانی روی/ Arundhati Roy، نویسنده مشهور هندی و فعال حقوق بشر که از هر رویداد ملی و بین‌المللی استفاده می‌کند تا به جهان یادآوری کند سیاست‌های هند و سیاستمدارانش چقدر وحشتناک هستند، در مراسم رونمایی از کتاب خود با عنوان «مادر مریم به سراغ من می‌آید» فضایی فراتر از یک رویداد ادبی رقم زد و با ارائه تحلیلی شفاف و دیدگاهی صریح، به تحولات سیاسی و نظامی اخیر پرداخت. او در این مراسم به ذکر نکات مهمی درباره حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران پرداخت. او دولت هند را به خاطر محکوم نکردن حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران به باد انتقاد گرفت: «آنچه در حال رخ دادن است، ادامه نسل‌کشی در غزه توسط آمریکا و اسرائیل است، اما ایران غزه نیست. من حرفی برای گفتن دارم چون دختر مادرم مری هستم و مانند او باید شجاعت گفتن واقعیت‌ها را داشته باشم. این بیانیه‌ای کوچک درباره جنگی است که قرار است تمام جهان را فرا بگیرد. می‌دانم امروز اینجا جمع شده‌ایم تا درباره کتابم «مادر مریم به سوی من می‌آید» صحبت کنیم. اما چطور می‌توانیم بی‌توجه باشیم و درباره آن شهرهای زیبا - تهران، اصفهان و بیروت - که در شعله‌های آتش فرورفته‌اند و می‌سوزند صحبتی نکنیم؟ می‌خواهم با صراحت و شجاعت از این تریبون استفاده کنم تا در مورد حمله بی‌دلیل و غیرقانونی آمریکا و اسرائیل علیه ایران بگویم. این قطعاً ادامه قتل‌عام مردم در غزه به دستان آمریکا و اسرائیل است. اینها همان نسل‌کش‌های قدیمی هستند که از همان تاکتیک‌های قدیمی استفاده می‌کنند؛ یعنی قتل‌عام زنان و کودکان. بمباران بیمارستان‌ها، بمباران بی‌هدف شهرها و در نهایت آنها هستند که خود را قربانی جلوه می‌دهند، اما ایران غزه نیست. دامنه این جنگ جدید می‌تواند تمام جهان را در بر بگیرد. ما در آستانه یک جنگ هسته‌ای، ویرانی‌ها و فروپاشی اقتصادی در جهان هستیم. همان کشوری که هیروشیما و ناکازاکی را بمباران کرد، ممکن است در حال آماده شدن برای بمباران یکی از باستانی‌ترین تمدن‌های جهان باشد. فرصت‌های بیشتری برای بحث مفصل در مورد این موضوع وجود دارد، اما اجازه دهید من فقط بگویم که در کنار ایران هستم. کاملاً کنارشان هستم. هر حکومتی که نیاز به تغییر دارد، از جمله ایالات متحده، اسرائیل و دولت خودمان، باید توسط مردم تغییر کند، نه توسط یک رژیم امپریالیستی متکبر، دروغگو، فریبکار، حریص و طماع، غارتگر منابع، بمب‌انداز و متحدانش که سعی در مطیع کردن کل جهان دارند.»

به گفته آروندانی روی، «ایران با جسارت با این چالش‌ها روبه‌رو می‌شود، در حالی که هند همچنان ترسو است. من از اینکه دولت ما تا این اندازه بزدل و بی‌جربزه است، شرمنده‌ام. مدت‌ها پیش، ما کشوری فقیر بودیم که مردم بسیار فقیری در آن زندگی می‌کردند. اما ما غرور و احترام داشتیم. امروز، ما کشوری مرفه هستیم که مردم بسیار فقیر و بیکاری در آن زندگی می‌کنند که به جای دریافت غذای واقعی، با رژیم غذایی نفرت و سم دروغ تغذیه می‌شویم. ما غرور خود، احترام و شجاعت‌مان را از دست داده‌ایم. بجز در فیلم‌هایمان.»

روی سپس این پرسش‌های تأمل برانگیز را برای مخاطبان حاضر در مراسم مطرح کرد: «ما چه جور آدم‌هایی هستیم که دولت منتخب‌مان نمی‌تواند آدم‌ربایی و ترور سران کشورهای دیگر توسط آمریکا را محکوم کند؟ آیا ما می‌خواهیم همین اتفاق که برای ایران افتاد برای خودمان هم بیفتد؟ اینکه نخست‌وزیرمان درست چند روز قبل از حمله به ایران به اسرائیل می‌رود و بنیامین نتانیاهو را در آغوش می‌گیرد، چه معنایی دارد؟ دولت ما در حال امضای یک قرارداد تجاری با ایالات متحده است که کشاورزان و صنعت نساجی ما را کاملاً نابود می‌کند، همه اینها درست چند روز قبل از اینکه دیوان عالی ایالات متحده تعرفه‌های ترامپ را غیرقانونی اعلام کند اتفاق افتاد - این اصلاً چه معنایی دارد؟ حالا ما «اجازه» داریم از روسیه نفت بخریم - این به چه معناست؟ دیگر برای چه چیزهایی باید اجازه بگیریم؟ برای رفتن به سرویس بهداشتی؟ برای استراحت در محل کار؟ برای ملاقات با مادرانمان؟»

این نویسنده مشهور با زیر سؤال بردن سکوت دولتش انتقاد کرد: «هر روز، سیاستمداران آمریکایی، از جمله دونالد ترامپ، علناً ما را مسخره و تحقیر می‌کنند. اما نخست‌وزیر ما همان خنده توخالی همیشگی‌اش را سر می‌دهد و همچنان آنان را در آغوش می‌گیرد. در اوج نسل‌کشی در غزه، دولت هند هزاران کارگر فقیر هندی را به اسرائیل فرستاد تا جایگزین کارگران فلسطینی اخراجی شوند. امروز، وقتی اسرائیلی‌ها در پناهگاه‌ها پناه گرفته‌اند، گزارش‌هایی می‌رسد مبنی بر اینکه به آن کارگران هندی اجازه ورود به پناهگاه‌ها را نمی‌دهند. از همه این وقایع چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ چه کسی ما را به این مکان که تحقیرآمیزترین، بی‌شرمانه‌ترین و منزجرکننده‌ترین نقطه جهان است رسانده؟ شاید بعضی از شما یادتان باشد که چطور ما آن ضرب‌المثل اغراق‌آمیز کمونیست‌های چینی را مسخره می‌کردیم که می‌گفتند «دست‌نشانده امپریالیسم». اما الان، به نظرم، این اصطلاح کاملاً به وضعیت ما می‌آید. بجز در آن فیلم‌های تحریف‌شده و سمی که در آنها قهرمانان ما دارای قدرتی اغراق‌آمیز و مسخره‌اند و در جنگ‌های خیالی یکی پس از دیگری پیروز می‌شوند. ولی این فیلم‌ها فقط با خشونت بی‌مورد و شرارت بی‌فکرانه‌شان، عطش سیری‌ناپذیر خونریزی ما را شعله‌ورتر می‌کنند.»

دلایل تهاجمی‌تر شدن ترامپ

واکنش داron عجم‌اوغلو اقتصاددان نوبلیست درباره جنگ علیه ایران و هوش مصنوعی

پروفسور دارون عجم‌اوغلو/ Daron Acemoğlu، اقتصاددان برنده جایزه نوبل اقتصاد، در واکنش به حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و به شهادت رساندن آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای چنین پیش‌بینی کرد: «این جنگ می‌تواند خطر بی‌ثباتی بلندمدت در خاورمیانه را افزایش دهد و از آنجا که این حمله بدون حمایت متحدان بین‌المللی آمریکا، همچنین بدون پشتوانه افکار عمومی آمریکایی‌ها انجام شده، مغایر با اصول دموکراسی است.»

او شرایط جنگ علیه ایران را برای مردم سخت توصیف کرد و در عین حال، بر این نکته تأکید کرد که چنین اقدامی نتیجه‌ای خلاف اصول دموکراسی دارد.

این اقتصاددان نوبلیست با برجسته کردن جایگاه و اقتدار آیت‌الله خامنه‌ای در جهان شیعه تأکید کرد: «آیت‌الله خامنه‌ای شخصیتی مانند نیکولاس مادورو نیست که از حمایت محدودی در ارتش ونزوئلا برخوردار باشد. رهبر ایران به لطف نقش مذهبی و سیاسی‌اش در میان شیعیان جهان و جامعه گسترده‌تر از جهان اسلام از احترام و اقتدار ویژه‌ای برخوردار است و ترور او قطعاً پیامدهای سنگینی در منطقه ایجاد خواهد کرد.»

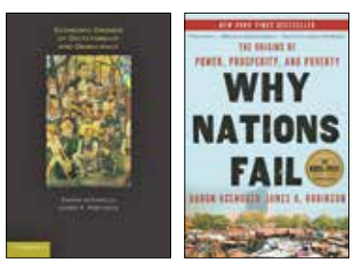

پیامدهای تصمیم علیه آنتروپیک

عجم‌اوغلو در کنار موضوع تهاجم نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بلافاصله درباره تصمیم وزارت دفاع آمریکا علیه شرکت هوش مصنوعی آنتروپیک/ Anthropic هم هشدار داد، شرکتی که پنتاگون آن را «خطر زنجیره تأمین» معرفی کرده است. به باور عجم‌اوغلو، چنین تصمیمی می‌تواند رابطه دولت و بخش خصوصی را تحت‌تأثیر قرار دهد و حتی در آینده حقوق مالکیت را هم با چالش روبه‌رو کند. او این اتفاق را نشانه‌ای از خروج کنترل هوش مصنوعی از دست مردم و شرکت‌های خصوصی دانست و پیش‌بینی کرد که هوش مصنوعی به تدریج در حال نزدیک شدن به دولت‌ها و تسلط کامل آن بر مردم است. چرا که پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا طی بیانیه‌ای تأکید کرده بود «از همین حالا لازم‌الاجرا است، هیچ پیمانکار، تأمین‌کننده یا شریکی که با ارتش ایالات متحده تجارت می‌کند، حق انجام هیچ گونه فعالیت تجاری با شرکت آنتروپیک را ندارد.»

عجم‌اوغلو دلیل این تصمیم را با نگرانی‌ها در مورد کاربردها و استفاده از هوش مصنوعی برای نظارت گسترده بر مردم یا به منظور استفاده در سامانه‌های تسلیحاتی خودکار مرتبط دانست و گفت: «این روند بسیار مهم است و حتی اثرات این رویکرد از پیامدهای حمله به ایران هم گسترده‌تر است.»

در پایان، او درباره سیاست‌های خارجی پرریسک‌تر دولت ترامپ و برخورد سخت‌گیرانه با شرکت‌های داخلی چنین استدلال کرد: «تصادفی نیست که ترامپ، برخلاف وعده‌های انتخاباتی‌اش، به سمت سیاست‌های خارجی پرخطرتری روی آورده و با یک شرکت داخلی مانند آنتروپیک همچون شرکت‌های کشورهای متخاصم رفتار می‌کند. ایجاد یک اثر شوک‌آور و شکستن هنجارها و چهارچوب‌های قبلی، بخشی از هدف این رویکرد بوده است و این نشانه‌ای از یک تغییر تعمدی در قواعد و چهارچوب‌های سیاسی است.»

روایتگر قدرت و توسعه

اظهارات این نویسنده از آنجایی اهمیت دارد که داron عجم اوغلو، اقتصاددان مشهور ترک‌تبار و استاد اقتصاد در مؤسسه MIT آمریکا است. او در سال ۲۰۲۴ به‌دلیل پژوهش‌هایش درباره نقش نهادها در شکل‌گیری توسعه و رفاه، جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرد. او در حوزه‌هایی مانند اقتصاد سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری درآمدی از پژوهشگران برجسته جهان به شمار می‌آید و از پرارجاع‌ترین اقتصاددانان معاصر است. از آثار مهم او با همکاری جیمز رابینسون، می‌توان به «ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی / Economic Ori-gins of Dictatorship and Democracy» و «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، رفاه و فقر / Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty» اشاره داشت که تأثیر زیادی در علوم اجتماعی داشته‌اند. عجم‌اوغلو از چهره‌های اثرگذار اقتصاد سیاسی مدرن است که نگاهش بر نقش قدرت و نهادها در سرنوشت کشورها تمرکز دارد.